



نبود بازار مناسب برای فروش؛

باغ‌داران در پروان؛

قیمت یک سیر انگور ۸۰ افغانی شده است



شماری از باغ‌داران در ولایت پروان از نبود بازار مناسب برای فروش حاصلات انگور در این ولایت ابراز نگرانی دارند. آنان می‌گویند که هرچند امسال حاصلات انگور در این ولایت نسبت به سال گذشته افزایش یافته، اما بهای ناچیز این میوه آنان را نگران کرده است. باغ‌داران پروان می‌افزایند که قیمت یک سیر انگور این ولایت در سال جاری به ۸۰ افغانی رسیده است. به گفته آنان، سال گذشته یک سیر انگور تا ۲۰۰ افغانی هم فروخته شده بود. نبود سردخانه‌های معیاری از چالش دیگری است...



کیفیت پایین و هزینه بلند؛

شهروندان از خدمات مخابراتی شکایت دارند

روایت سقوط کابل؛ مقصر کیست؟



یک جوان پس از برگشت از ترکیه در پروان به قتل رسید



۸ صبح، پروان: منابع محلی در پروان از قتل یک جوان در این ولایت خبر می‌دهند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این رویداد پس از چاشت روز شنبه، ۱۸ سنبله، در روستای قلندرخیل از مربوطات ولسوالی بگرام این ولایت رخ داده است. فرد کشته شده فضل‌الله نام داشت و به‌تازگی از ترکیه برگشته بود.

هرچند تا کنون انگیزه و عاملان قتل فضل‌الله معلوم نیست، اما منابع مدعی‌اند که او به‌دلیل خصوصیات خانوادگی توسط اسلحه کلاشینکوف به قتل رسیده است. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که در ماه‌های اخیر، قتل‌های مرموز و رویدادهای جنایی در بخش‌های مختلف کشور افزایش یافته است. روز گذشته نیز یک آموزگار مکتب به‌دلیل خصوصیات شخصی در ولسوالی پریان ولایت پنجشیر به قتل رسید.

شورای هماهنگی نماینده‌گی‌های دیپلماتیک: بحران کنونی افغانستان منطقه و تمام جهان را مورد تهدید قرار می‌دهد

۸ صبح، کابل: شورای هماهنگی نماینده‌گی‌های سیاسی و قنصلوی جمهوری اسلامی افغانستان تاکید کرده که در نتیجه مداخلات بی‌هم در امور داخلی افغانستان، صلح و ثبات در کشور به میان نیامده است.

چندی پیش نیز، این شورای گفته بود که بحران‌های امنیتی و بشری موجود در کشور، در نتیجه تسلط خشونت‌گرایی دوباره طالبان به‌وجود آمده‌اند. گفتنی است که پس از تسلط طالبان بر کشور، همواره شماری از کشورها و نهاد از تبدیل شدن افغانستان به پناه‌گاه‌های «تروریستان» نگرانی کرده‌اند.

در تازه‌ترین مورد، احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان گفته است که طالبان رابطه خود را با «گروه‌های تروریستی منطقه و فرامنطقه‌ای» حفظ کرده‌اند.

کابل: شورای هماهنگی نماینده‌گی‌های سیاسی و قنصلوی جمهوری اسلامی افغانستان هشدار می‌دهد که بحران کنونی افغانستان، کشورهای منطقه و تمام جهان را مورد تهدید قرار خواهد داد.

این شورا روز شنبه، ۱۸ سنبله، در اعلامیه‌ای که مناسبت بیست‌ودومین سالروز کشته شدن احمدشاه مسعود منتشر کرده، افزوده که بحران سیاسی، اجتماعی، حقوق بشری و امنیتی در افغانستان روزبه‌روز در حال وخیم‌تر شدن است.

به گفته این نهاد در طول تاریخ، وحدت ملی عامل اصلی پیروزی مردم افغانستان در برابر مشکلات بوده است.

با این حال، شورای هماهنگی نماینده‌گی‌های



افغانستان و معضل روبه گسترش بی‌سوادی

زمانی که انسان نوشتن را کشف کرد، حادثه‌ای مهم در زنده‌گی بشر در روی زمین اتفاق افتاد. این حادثه موجب شد که زنده‌گی بشر...



درانی به سفیر طالبان در اسلام‌آباد: خاک خود را به کسی واگذار نمی‌کنیم



نماینده ویژه پاکستان گفته که نگرانی کشورش را با سفیر طالبان در اسلام‌آباد ابراز کرده است. گذرگاه تورخم چهارشنبه گذشته پس از تبادل آتش بین مرزبانان پاکستانی و جنگ‌جویان طالبان بسته شد. مقام‌های پاکستانی گفتند که طالبان تلاش داشتند تا در خاک این کشور پاسگاه ایجاد کنند.

آصف درانی، نماینده ویژه پاکستان در امور افغانستان، در پاسخ به خواست طالبان مبنی بر بازگشایی گذرگاه تورخم می‌گوید که خاک کشورش را به کسی واگذار نمی‌کند.

آج‌نیوز، روز شنبه، ۱۸ سنبله، گزارش داده که آصف درانی، این موضوع را با احمدشکیب، سفیر طالبان در اسلام‌آباد، بیان کرده است. احمدشکیب در این دیدار خواستار بازگشایی گذرگاه تورخم از جانب پاکستان شده است.

بازی پاکستان با کارت تی‌تی‌پی

با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، نگرانی کشورهای منطقه به‌ویژه همسایه‌ها افزایش یافته است. در این میان، پاکستان...





به بدویت پایان دهید

رهبران طالبان مهم‌ترین عذری که برای جلوگیری از علم و دانش دختران و محروم کردن نیمی از جامعه از کار و فعالیت پیش می‌نهند، بدویت یک بخش از مردم افغانستان است. از نظر این گروه، این بخش بدوی به آن پیمانه زبان نفهم است که دو سال حاکمیت این گروه به هیچ صورت کافی نیست تا بتواند آن‌ها را به موافقت با تحصیل دختران قناعت بدهد. ظاهراً باید چندین دهه صبر کرد تا دیده شود که آیا نظر این بدویان واجب‌الاحترام تغییر خواهد کرد یا نه، و آنگاه درباره این موضوع تصمیم گرفت. معلوم نیست که منظور این گروه از مردم بدوی کوچی‌هایند، یا روستایی‌ها، یا ساکنان شهرهای کوچک و ولایت‌های کم‌تر توسعه‌یافته، یا عموم مردم افغانستان. اما تمام دنیا می‌داند که بخش وسیعی از مردم افغانستان، به‌ویژه ساکنان شهرهای کلان، مانند بقیه ملت‌های دنیا هم طرفدار تحصیل‌اند و هم طرفدار هنر و هم طرفدار تکنولوژی و هم سایر پیشرفت‌ها.

فرض را بر این می‌گذاریم که ادعای طالبان درست است و واقعا بخشی از مردم افغانستان بدوی و نادانند و ارزش علم و تحصیل را درک نمی‌کنند و به‌آسانی به ترقی و پیشرفت جامعه رضایت نمی‌دهند و می‌خواهند این سرزمین برای همیشه عقب‌مانده و محروم باقی بماند. حال با این بخش نادان جامعه چه باید کرد؟ پاسخ روشن است: اگر گروهی قصد دارد که کشور را از محرومیت و عقب‌مانده‌گی برهاند و به نادانی و بی‌سوادی و فقر و بدبختی پایان بدهد تا راه ترقی به روی مردم گشوده شود، باید مبارزه با چنین بدویت مرگ‌باری را مقدم بر هر کاری دانسته و آن را به اولویت نخست خود تبدیل کند. بدویت برای هیچ جامعه‌ای مایه افتخار و سربلندی نیست، بلکه لکه ننگ و مایه شرم است و باید تغییر آن در صدر اولویت‌های ملی قرار بگیرد. اگر طالبان از تغییر بدویت و مقابله با آن عاجزند، باید از سایر نیروهای کشور که چندین برابر بدوی‌هایند، کمک بگیرند تا جلو انسان‌های زبان‌نهم گرفته شده و سرنوشت کشور قربانی خواست نامعقول و بی‌معنای آنان نشود.

تسلیم خواست انسان‌های بدوی شدن و به اراده نادان‌ترین بخش جامعه تمکین کردن و خواست اکثریت جامعه را نادیده گرفتن و به آن علت میلیون‌ها شهروند این سرزمین را از حق طبیعی و قانونی‌شان محروم کردن، کاری است که تنها دیوانه‌گان یا جنایت‌کاران می‌توانند به آن تن بدهند. در هیچ جای دنیا سیاست‌گذاری‌ها براساس خواست نادان‌ترین بخش جامعه صورت نمی‌گیرد و همه دغدغه و اولویت حاکمان یک کشور راضی نگه داشتن این بخش نیست.

اگر ادعای طالبان درباره حجم سنگین و کمرشکن بدویت در افغانستان درست باشد، باید بقیه کارها را موقتا کنار بگذارند و جهاد با بدویت را اعلام کنند تا همه ملت در این مبارزه انسانی عظیم با آنان همراه شوند و بیخ و بنیاد چنین جهل غلیظی را برکنند و راه را برای تحولی ریشه‌ای در این کشور باز کنند. نباید هیچ کشوری در گرو انسان‌های بدوی باقی بماند تا هر فرصتی برای انکشاف و ترقی را نابود کنند و هر زمینه‌ای برای تحول به سوی توسعه و بهبود اوضاع را با شورش و ویران‌گری بر باد دهند و نسل اندر نسل تباهی و سیه‌روزی بیافرینند. باید به چنین مصیبت فاجعه‌باری فوراً پایان داده شود. مبارزه با چنین بدویتی، از آب و نان ضروری‌تر و از هر کار دیگری واجب‌تر است. همه این‌ها البته مشروط به این است که ادعای طالبان درباره بدوی خواندن مردم افغانستان، یا بخش‌های قابل توجهی از مردم، درست باشد و این گروه بتواند این ادعا را با نظرخواهی معتبری که شامل آمار و ارقام باشد اثبات کند، نه این‌که صرفاً توجیهی برای سیاست‌های متحجرانه خود بجوید.

مقام‌های امریکایی: احیای القاعده در افغانستان و پاکستان بعید است



۸صبح، کابل: در حالی که کشورهای جهان همواره از تبدیل شدن افغانستان به «پناهگاه گروه‌های تروریستی» هشدار داده‌اند، دو مقام ارشد امریکایی می‌گویند که براساس ارزیابی‌های جدید اطلاعاتی این کشور، احیای القاعده در افغانستان و پاکستان بعید بوده و تهدید این شبکه به پایین‌ترین حد خود در دهه‌های اخیر رسیده است.

سی‌ان‌ان روز جمعه، ۱۷ سنبله، به نقل از دو مقام ارشد امریکایی گزارش داده که احیای القاعده در افغانستان و پاکستان «بعید» است و عملیات‌های ضد تروریستی طالبان در افغانستان حضور داعش را در آن‌جا «تنزل» داده است.

به گفته آنان، به‌رغم خروج ارتش امریکا در سال ۲۰۲۱ از افغانستان، حضور تروریستان در این کشور رو به کاهش بوده است.

طبق اظهارات این دو تن، پس از حمله هوایماید بدون سرنشین امریکا که منجر به کشته شدن ایمن‌الظواهری، رهبر القاعده در سال گذشته میلادی شد، این گروه بدون «استعداد رهبری و هدایت استراتژیک» باقی ماند.

آنان افزوده‌اند که با این حال گروه داعش به حمله‌های بلندپایه خود در افغانستان ادامه داده و شماری از غیرنظامیان را کشته و زخمی کرده است. یکی از این مقام‌ها گفته است: «داعش تهدیدی

است که ما مطمئن از منظر عملیات خارجی نگران آن هستیم، اما این یک نوع تهدید اساساً متفاوت از آن‌چه از القاعده در ۱۱ سپتامبر دیدیم است.» این مقام‌های مدعی شده‌اند که اطلاعات نشان می‌دهد که داعش تحت «فشار فزاینده» طالبان بوده است و بسیاری از رهبران کلیدی آن در ماه‌های اخیر از کشور فرار کرده‌اند.

یکی از این مقام‌ها گفته است: «اعضای داعش خراسان که در رسانه‌ها، تسهیل‌گری و عضوگیری در حمایت از عملیات‌های خارجی مشارکت دارند، به‌طور فزاینده‌ای به کشورهای همسایه می‌روند تا از کمپین طالبان [ضد تروریسم] فرار کنند.»

یکی از مقامات ارشد در پاسخ به سوالی در مورد تضاد بین ارزیابی‌های ایالات متحده امریکا و سازمان ملل متحد گفته که گزارش سازمان ملل با اطلاعات جمع‌آوری شده توسط واشنگتن و شرکای آن «به‌طور وحشیانه‌ای خارج از کنترل» است.

این در حالی است که پیش از این، شورای امنیت سازمان ملل متحد از پیچیده‌تر شدن حمله‌های شاخه خراسان داعش در افغانستان، ابراز نگرانی کرده بود.

اعضای این شورا تاکید کردند که ظرفیت‌های عملیاتی گروه داعش خراسان در افغانستان تقویت شده است.

وزیر خارجه پاکستان: در مورد تکرار حادثه شبه چترال به طالبان هشدار دادیم

۸صبح، کابل: جلیل عباس جیلانی، وزیر امور خارجه موقت پاکستان، می‌گوید که پس از حمله شبه‌نظامیان به دو پاسگاه نیروهای امنیتی این کشور در منطقه چترال ایالت خیبر پختون‌خواه، به سفیر طالبان در اسلام‌آباد در مورد تکرار چنین حوادث هشدار داده است. به گزارش پاکستان تودی جیلانی این موضوع را روز شنبه، ۹ سپتامبر، در یک نشست خبری بیان کرده است.

وی در پاسخ به سوالی مبنی بر این‌که آیا این موضوع با طالبان در میان گذاشته شده گفته است: پاکستان اعتراض شدیدش را نسبت به این حادثه ثبت کرد و دیروز سفیر طالبان در اسلام‌آباد را احضار کردیم. یک یادداشت هشدارآمیز به او تسلیم کردیم.»

این مقام پاکستانی باردیگر از طالبان خواسته است که جلو طرح حملات تحریک طالبان پاکستانی علیه نظامیان این کشور در خاک افغانستان را بگیرند.

جیلانی افزوده است: «این خواسته ما از طالبان است، اطمینان حاصل کنیم که چنین حوادثی دیگر تکرار نشود.»

در همین حال، سرفراز بوگتی، وزیر امور داخله موقت پاکستان، گفته که طالبان باید به توافق‌نامه دوحه در زمینه عدم استفاده خاک افغانستان علیه کشورهای دیگر پایبند بمانند.

این اظهارات در حالی بیان می‌شوند که در پی حمله چهارشنبه گذشته جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستانی (TTP) بالای دو پاسگاه امنیتی نظامیان این کشور در منطقه چترال و در نزدیکی مرز با افغانستان، چهار نیروی امنیتی و ۱۶ عضو تی‌پی کشته شده‌اند.



انفجار بمب دستی در هلمند جان یک تن را گرفت

۸صبح، هلمند: مقام‌های محلی طالبان در هلمند می‌گویند که یک تن در اثر انفجار بمب دستی در این ولایت جان باخته است. ریاست اطلاعات و فرهنگ طالبان در هلمند می‌گوید که این فرد حوالی ساعت ۸:۰۰ صبح شنبه، ۱۸ سنبله، در اثر انفجار بمب دستی در مقابل یک دکان خیاطی در بازار ولسوالی گرشک این ولایت جان خود را از دست داده است.

این فرد جلال‌الدین نام داشت و باشنده ولسوالی باباجی هلمند بود.

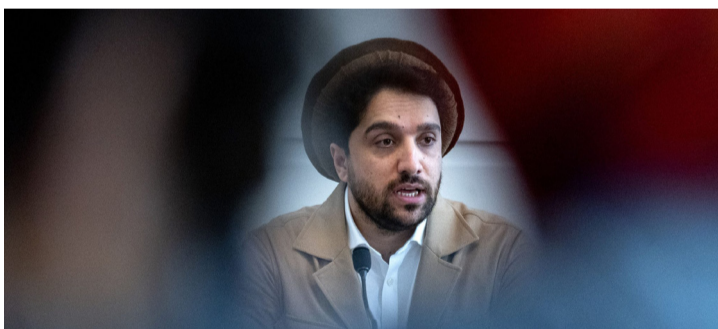
به گفته طالبان، پس از تحقیقات مشخص شده است که نزد جلال‌الدین بمب دستی موجود بوده که پس از بیرون شدن از یک دکان خیاطی کلید بمب را کشیده و آن منفجر می‌شود.

طالبان افزوده‌اند که در این رویداد به فرد دیگری آسیب نرسیده است.

پیش از این نیز رویدادهای این چنینی جان شهروندان کشور را در نقاط مختلف کشور گرفته است.

این در حالی است که طالبان همواره مدعی جمع‌آوری سلاح‌ها از نزد افراد غیرمسوول شده‌اند.

احمد مسعود: طالبان برادری خود را با گروه‌های تروریستی منطقه و فرمانطقه‌ای حفظ کرده‌اند



«نظام مشروع»، هرگونه روابط، تعامل با طالبان و تلاش در امر مبارزه علیه تروریسم، مواد مخدر و به‌دست آوردن حقوق زنان موقتی بوده و نتیجه قابل قبولی نخواهد داشت.

مسعود افزوده است «بارها به طالبان این مسئله را مطرح ساختیم که مشروعیت در افغانستان فقط و فقط از دست و مجرای مردم می‌گذرد، اما شاهد هستیم که طالبان به این امر توجه ندارند.»

احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان، در روزهای سقوط دولت پیشین، به پنجشیر رفت و این جبهه را علیه طالبان ایجاد کرد.

هرچند طالبان دو سال پیش موفق شدند با بسیج هزاران نیرو، پنجشیر را به تصرف خود در آورند، اما نیروهای این جبهه در دو سال گذشته حملات‌شان را در پنجشیر و برخی از ولایت‌های شمال کشور بر مواضع طالبان ادامه داده‌اند.

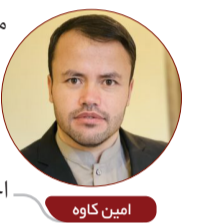
در این مدت به هر دو طرف درگیر جنگ تلفات وارد شده است.

۸صبح، کابل: احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان می‌گوید که طالبان رابطه خود را با «گروه‌های تروریستی منطقه و فرمانطقه‌ای» حفظ کرده‌اند.

مسعود این اظهارات را روز شنبه، ۱۸ سنبله، به مناسبت بیست‌ودومین سالروز کشته‌شدن احمدشاه مسعود در یک پیام ویدیویی مطرح کرده است.

او تصریح کرده است: «با وجود این‌که طالبان برادری خود را با گروه‌های تروریستی منطقه و فرمانطقه‌ای حفظ کردند و با این‌که در این مدت، میلیاردها دالر امکانات به آنان [طالبان] رها شد و هفته‌دها میلیون دالر به‌دست آنان سپرده می‌شود، اما نیروهای جبهه مقاومت ملی همچنان مبارزه می‌کنند.»

او تاکید کرده است که منافع مردم افغانستان و جهان در ایجاد یک «نظام مشروع» است که مبنای مشروعیت آن اراده و رای مردم باشد. مسعود هشدار می‌دهد که در عدم موجودیت



امین کاوه

مشتریان شرکت‌های مخابراتی در افغانستان از کیفیت پایین و هزینه بلند مکالمات تلفنی و اینترنتی شکایت دارند. آنان می‌گویند که در اخذ مصارف هزینه‌های تماس و اینترنت، شفافیت لازم وجود ندارد و عرضه خدمات متناسب با قیمت‌های اعلام شده صورت نمی‌گیرد. به گفته مشتریان، مشکلات امنیتی که قبلاً از طرف طالبان متوجه شرکت‌های مخابراتی بود، در حال حاضر برطرف شده است و باید نرخ خدمات مخابراتی کاهش پیدا کند. شفاف نبودن روند گردآوری محصول مخابراتی از کاربران و عدم شفافیت لازم در گزارش‌دهی شرکت‌های مخابراتی، همواره مورد پرسش قرار داشته است. از طرف دیگر، منابع می‌گویند که تعدادی از شرکت‌های مخابراتی از سال‌های زیادی به این طرف بدهی‌ها و جرمانه نقدی خود را از بابت بی‌کیفیت بودن خدمات نپرداخته‌اند، در حالی که قیمت هزینه‌ها را از مشتریان خود جمع‌آوری کرده‌اند. وزارت مخابرات تحت کنترل طالبان اما گفته است که قیمت اینترنت بین ۴۰ تا ۶۰ درصد و نرخ مکالمات حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. این وزارت افزوده که در سال گذشته میلیون‌ها دالر عواید گردآوری کرده و نیز ۲۳ میلیون سیم‌کارت فعال در کشور وجود دارد. شماری از شهروندان کشور، شرکت‌های مخابراتی و وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی تحت کنترل طالبان را متهم به کم‌کاری و عدم شفافیت در اجرای امور خدمات مخابراتی کرده‌اند. این شهروندان می‌گویند که در حال حاضر هزینه مکالمات تلفنی و اینترنتی نسبت به کشورهای همسایه دست کم ۱۰ برابر بالاست. به گفته آنان، نرخ مکالمات تلفنی در پاکستان در هر دقیقه کم‌تر از نیم افغانی است، در حالی که در افغانستان بیشتر از دو افغانی در هر دقیقه برخی از شرکت‌ها نرخ تعیین کرده‌اند. با این حال، ارزیابی مقایسه‌ای خدماتی اینترنتی افغانستان و پاکستان نشان می‌دهد که بسته‌های

اینترنتی و نرخ تماس‌های تلفنی کشور همسایه حدود ۱۰ برابر پایین‌تر از عرضه خدمات در افغانستان است. شرکت‌های مخابراتی پاکستان بسته‌های روزانه، هفته‌وار و ماهوار غیرثابت نیز دارند که در مقایسه با شرکت‌های مخابراتی افغانستان قیمت آن‌ها بسیار پایین است. این در حالی است که هزینه برق و مالیات در پاکستان نسبت به افغانستان بسیار بلند است. در جدول زیر مقایسه نسبی خدمات اینترنتی چهار شرکت خصوصی افغانستان با دو شرکت خصوصی در پاکستان صورت گرفته است.

بسته‌های اینترنتی چهار شرکت افغانستان و دو شرکت پاکستان

شرکت	کشور	معاينه	هزینت	معاينه به افغانی
افغان بی‌سیم	افغانستان	GB 1	۱۰۰ افغانی	
روشن	افغانستان	GB 1	۱۰۰ افغانی	
افغان‌ل	افغانستان	GB 1	۱۰۰ افغانی	
اتصالات	افغانستان	GB 1	۱۰۰ افغانی	
جانر	پاکستان	GB 1۰۰	۱۵۶۶ کتلار	حدود ۳۱۵ افغانی
زانگ	پاکستان	GB 2	۲۹۹ کتلار	حدود ۱۰ افغانی
زانگ	پاکستان	GB 1۰۰	۱۶۰۰ کتلار	حدود ۳۲۰ افغانی

افزون بر بهای بلند خدمات اینترنتی، مشتریان شرکت‌های مخابراتی در افغانستان از کیفیت پایین این خدمات نیز شکایت دارند. آنان می‌گویند که در بدل پرداخت هزینه‌های سنگین تماس تلفنی و اینترنتی، خدمات معیاری و لازم را دریافت نمی‌کنند. مشتریان تاکید می‌کنند که کیفیت هیچ شرکت مخابراتی قابل تمجید نیست و آنان مطابق وعده‌های خود عمل نمی‌کنند. کاربران مخابراتی تصریح می‌کنند که شفافیت و پاسخگویی برای مشتریان وجود ندارد و شرکت‌ها شکایات‌های مشتریان را در نظر نمی‌گیرند. نسیم، یک تن از باشندگان شهر فیروزکوه مرکز ولایت غور، از خدمات اینترنتی در این ولایت شکایت دارد. او می‌گوید که کیفیت خدمات اینترنتی در این ولایت

کیفیت پایین و هزینه بلند؛

شهروندان از خدمات مخابراتی شکایت دارند

جریمه شده‌اند، اما اداره اترا تا کنون در جمع‌آوری جرایم نقدی ناتوان بوده است.

او همچنان تصریح می‌کند که شرکت‌های مخابراتی باید براساس جدول زمانی تعیین شده عمل کنند. به گفته او، این شرکت‌ها مکلفند در گام نخست ۸۰ درصد شهر کابل را تحت پوشش خدمات مخابراتی باکیفیت قرار دهند و سپس عرضه این خدمات اینترنتی را به ولایت‌ها دیگر توسعه دهند. او تاکید می‌ورزد که بیشتر از چهار سال از ورود نسل چهارم خدمات اینترنتی در افغانستان می‌گذرد، اما تا هنوز کابل به شکل درست از این خدمات مستفید نشده و مردم در هر نقطه این شهر از ارایه خدمات بی‌کیفیت نسل چهارم شاکی‌اند.

این در حالی است که نجیب‌الله حقانی، سرپرست وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی طالبان، گفته که با سلطه این گروه، قیمت اینترنت بین ۴۰ تا ۶۰ درصد و نرخ مکالمات حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. او تاکید کرده که این وزارت سال گذشته میلیون‌ها دالر عواید جمع‌آوری کرده است. او مشخص نساخته است که این مقدار پول از کدام مجرا حصول شده و نیز مقدار آن مشخص نشده است. حقانی همچنان تصریح کرده است که در حال حاضر ۲۳ میلیون سیم‌کارت فعال در افغانستان وجود دارد.

از سوی دیگر، مقام‌های طالبان در وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی گفته‌اند که آنان در سال جاری برای تعرفه‌های شرکت‌های مخابراتی سقف تعیین کرده‌اند. براساس ادعای آنان، در نرخ مکالمات داخلی از ۲.۵۸ به ۱.۵۸ افغانی کاهش به وجود آمده است و بهای مکالمات خارجی نیز تا ۲ افغانی در هر دقیقه کاهش یافته است.



در حالی که در وبسایت شرکت مخابراتی سلام که تحت کنترل وزارت مخابرات قرار دارد، نشان می‌دهد که برقراری تماس از سلام به سایر شبکه‌های داخلی در هر دقیقه ۲.۲ افغانی هزینه برمی‌دارد و از سلام به سلام ۱.۸۵ افغانی نرخ تعیین شده است. گفتنی است که در حال حاضر پنج شرکت در افغانستان مصروف ارایه خدمات مخابراتی‌اند. روشن، افغان بی‌سیم، اتصالات و ام‌تی‌ان، چهار شرکت خصوصی و یک شرکت دولتی افغان تیلیکام که در زیر مجموعه آن «شرکت مخابراتی سلام» فعالیت دارد.

بسیار پایین است و آنان با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به گفته او، در حال حاضر اکثریت ولسوالی‌های غور از خدمات اینترنتی «۳G» محروم‌اند و در بسیاری از مناطق روستایی این ولایت شبکه‌های مخابراتی فعالیت ندارد.

محمدالدین، دیگر شهروند افغانستان، نیز با اشاره به کیفیت پایین خدمات، از شرکت‌های مخابراتی انتقاد می‌کند که با وجود حل مشکلات امنیتی که از جانب طالبان متوجه آنان بود، هنوز این شرکت‌ها در عرضه خدمات خود تغییرات لازم به میان نیاورده‌اند. او می‌گوید: «در گذشته شرکت‌ها می‌گفتند که طالب‌ها پایه‌های مخابراتی آنان را به آتش می‌کشند، باج می‌گیرند، سایت‌ها را خاموش می‌کنند یا هم تیل ماشین‌ها را خالی می‌کنند، اما حالا این مشکل نیست، باید در قیمت‌ها کاهش بیاید.»

همچنان شهروندان کشور از عدم شفافیت در روند گردآوری محصول مخابراتی از کاربران، انتقاد می‌کنند. آنان می‌گویند که شرکت‌های مخابراتی آمار و ارقام واقعی از جمع‌آوری ۱۰ درصد محصول مخابراتی را در اختیار نهادهای مسوول قرار نمی‌دهند. به گفته آنان، در حال حاضر هیچ نوع نظارت قانونی بر چگونگی گردآوری این محصول مخابراتی وجود ندارد. شهروندان ابراز نگرانی می‌کنند که شرکت‌های مخابراتی در تبانی با حلقه‌های خاص طالبان، داریبی‌های عامه را حیث‌ومیل می‌کنند.

نبود شفافیت در روند گردآوری محصول مخابراتی در حالی که نگرانی مایه‌دهنده‌گان تبدیل شده است که شرکت‌ها در نبود سیستم منظم حساب‌دهی، گزارش‌های واقعی خود را به وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی تحت کنترل طالبان ارایه نمی‌کنند. یکی از کارمندان پیشین اداره تنظیم خدمات مخابراتی افغانستان که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید که ۱۰ درصد مالیات در فقدان یک سیستم شفاف جمع‌آوری می‌شود. به گفته او، روند پرداخت مالیات شرکت‌ها نیز براساس گزارش‌های خودنوشت آنان ترتیب و در نبود سیستم منظم حساب‌دهی به وزارت مخابرات و اداره اترا سپرده می‌شود. او تاکید می‌کند که شیوه نظارت و گردآوری ۱۰ درصد محصول مخابراتی غیرمسلمکی و خلاف معیارهای تکنیکی است.

این در حالی است که اداره تنظیم خدمات مخابراتی افغانستان (اترا)، سالانه چهار بار کیفیت خدمات مخابراتی را در کشور اندازه‌گیری و ثبت می‌کند. یک منبع که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید که شرکت‌های مخابراتی به خاطر کیفیت پایین عرضه خدمات‌شان از سال ۲۰۱۴ به این طرف

نبود بازار مناسب برای فروش؛

باغ داران در پروان: قیمت یک سیرانگور ۸۰ افغانی شده است



باغ‌داران در پروان از نهادهای امدادرسان بین‌المللی و طالبان می‌خواهند که به مشکلات آنان توجه جدی کنند و برای نگهداری محصولات‌شان، در ولسوالی‌های این ولایت سردخانه‌های معیاری ایجاد شود. قیام‌الدین اضافه کرد که در حال حاضر قیمت یک سیرانگور به ۸۰ افغانی رسیده است، درحالی‌که سال گذشته باغ‌داران پروان این مقدار را تا ۲۰۰ افغانی هم فروخته بودند.

ادامه در صفحه ۵

روی دست نگرفته‌اند. با آن که پروان بستری مناسب برای باغداری، به‌ویژه انگور است، اما نبود بازار سبب شده که محصولات زراعتی این ولایت به قیمت ارزان فروخته شود. قیام‌الدین شمس، یکی از باغ‌داران ولسوالی بگرام پروان است. او که هزاران تاک انگور را پرورش داده است، از نبود بازار مناسب برای فروش محصولات زراعتی‌شان ابراز نگرانی می‌کند. وی افزود: «حاصلات انگور امسال در سراسر پروان خوب است، اما بازار مناسب ندارد. حیث زحماتی که در یک سال کشیدیم.»

در سال جاری به ۸۰ افغانی رسیده است. به گفته آنان، سال گذشته یک سیرانگور تا ۲۰۰ افغانی هم فروخته شده بود. نبود سردخانه‌های معیاری از چالش دیگری است که کشاورزان پروان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. آنان خواستار فراهم شدن بازار مناسب و ایجاد سردخانه‌ها برای محصولات‌شان هستند. مقام‌های محلی طالبان هرچند از افزایش حاصلات خبر داده‌اند، اما برای رفع مشکل باغ‌داران راه‌حلی

شماری از باغ‌داران در ولایت پروان از نبود بازار مناسب برای فروش حاصلات انگور در این ولایت ابراز نگرانی دارند. آنان می‌گویند که هرچند امسال حاصلات انگور در این ولایت نسبت به سال گذشته افزایش یافته، اما بهای ناچیز این میوه آنان را نگران کرده است. باغ‌داران پروان می‌افزایند که قیمت یک سیرانگور این ولایت

روایت‌های دروغین؛

طالبان در چه زمینه‌هایی از رهبر خود اطاعت نمی‌کنند؟



طالبان که در برخورد با مردم به محض وارد شدن یک اتهام، آن‌ها را محکمه صحرایی می‌کنند و غیر انسانی‌ترین چیزها را اعمال می‌نمایند، اما در مورد سوءاستفاده جنسی مقام‌های خود از کودکان پسر، مکرراً توصیه می‌کنند و در نهایت هشدار می‌دهند که اگر باز هم چنین عمل را مرتکب شوند، رهبر طالبان مجبور می‌شود به مجرمان جزا بدهد. همین مورد نشان می‌دهد که جزاها و تعزیرات طالبانی فقط مخصوص مردم سیه‌بخت افغانستان است و جنگ‌جویان خود این گروه نه به دلیل دزدی و ظلم و زورگیری مجازات می‌شوند، نه به دلیل سوءاستفاده‌های جنسی و زنا و لواط و نه به دلیل مخفی کردن اسلحه و حتی کشتن مردم بی‌گناه.

کلمه محمدعلی نظری
بخش اول

یافت که برای یک مساله، چندین بار فرمان صادر کرده و نسبت به نادیده گرفتن فرمان‌هایش، شکایت کرده است. او به جنگ‌جویان و قوماندان‌هایش گفته، مکرراً فرمان داده است که مردم را زیر شکنجه بدون دستور «امیر یا نایب او» نکشید، بلکه وقتی دستور را دریافت کردید، آن وقت متهم را بکشید. این را چندین بار تکرار کرده که نشان از نافرمانی طالبان دارد. نمونه دیگر، قوم‌گرایی است. البته قوم‌گرایی در نظر طالبان، مثلاً نادیده گرفتن هزاره‌ها یا سایر اقوام در هرم قدرت نیست، بلکه استخدام اقارب نزدیک در دفتر کاری مقام‌های این گروه است. آن نوع قوم‌گرایی که اقوام ساکن افغانستان را نادیده می‌گیرند و همه مناصب دولتی را به یک قوم می‌سپارند، از سوی رهبران طالبان عملی پسندیده و عین شریعت طالبانی است. اولین فرمان ملا محمد عمر، در مورد ممنوعیت قوم‌گرایی است و سپس فرمان شماره ۱۰ خود را به تاریخ ۱۳۷۵/۴/۵ با عنوان «توصیه و پیغام مقام امارت اسلامی افغانستان درباره قوم‌پرستی ننمودن» صادر کرده است. البته ملا عمر جزایی که برای مرتکبان قوم‌پرستی در نظر گرفته، «عذاب خداوند» است؛ یعنی قرار نبوده کسی که چنین جرمی را مرتکب می‌شود، در رژیم طالبان مجازات شود. این فرمان ملا عمر هم کارگر نمی‌افتد و طالبان دست از قوم‌گرایی با مفهوم مورد نظر خود آن‌ها برنمی‌دارند. ملا عمر مجبور می‌شود فرمان شماره ۱۷ را هم در همین مورد صادر کند و به طالبان گوش‌زد نماید که «قوم‌پرستی و منطقه‌پرستی در منشور طالبان» نیست.

لحن فرمان‌های ملا عمر وقتی خطاب به اعضا و جنگ‌جویان این گروه صادر می‌شود، نسبت به آن‌چه در مورد محدودیت بر مردم اصدار می‌یابد، ملایم است. مجازاتی که در صورت سرپیچی از فرمان ملا عمر برای اعضای این گروه در نظر گرفته شده، اکثراً به قیامت و حساب و کتاب خداوندی واگذار شده است. زندان‌ها، شکنجه‌گاه‌ها و غل‌وزنجیر آن‌ها برای مردم عادی افغانستان ساخته و شلاق‌های آن‌ها برای انسان‌های بی‌نوا این مرزوبوم بافته شده است. سرپیچی مردم از فرمان رهبران طالبان، «برخورد قانونی» را به دنبال دارد، در حالی که هیچ قانونی هم وجود ندارد و یک جنگ‌جوی طالبان آن‌چه را خود صلاح بداند یا از اجرای آن لذت ببرد، در حق مردم عملی می‌کند.

نباشد، مگر تا کنون این سخن کاملاً عملی نگردیده است. باز هم برهنه‌روی‌ها با شما دیده می‌شوند. اکنون باز هم به هر مسوول و هر طالب امر من است که به همراه هر کسی که برهنه‌روی باشد، باید آن را جواب نماید و در آینده به باز گفتن ضرورت پیدا نشود. اگر باز هم اطاعت صورت نگیرد، مجبوراً به مجرم جزا داده خواهد شد.»

طالبان که در برخورد با مردم به محض وارد شدن یک اتهام، آن‌ها را محکمه صحرایی می‌کنند و غیر انسانی‌ترین جزاها را اعمال می‌نمایند، اما در مورد سوءاستفاده جنسی مقام‌های خود از کودکان پسر، مکرراً توصیه می‌کنند و در نهایت هشدار می‌دهند که اگر باز هم چنین عمل را مرتکب شوند، رهبر طالبان مجبور می‌شود به مجرمان جزا بدهد. همین مورد نشان می‌دهد که جزاها و تعزیرات طالبانی فقط مخصوص مردم سیه‌بخت افغانستان است و جنگ‌جویان خود این گروه نه به دلیل دزدی و ظلم و زورگیری مجازات می‌شوند، نه به دلیل سوءاستفاده‌های جنسی و زنا و لواط و نه به دلیل مخفی کردن اسلحه و حتی کشتن مردم بی‌گناه. در آن سو، کافی است کسی اتهامی واهی علیه فردی مطرح کند که گویا او دزدی کرده یا اسلحه پنهان کرده و یا مرتکب زنا شده است، طالبان فوراً لشکر می‌کشند، او را به زندان می‌اندازند، شکنجه می‌کنند و در محاکم صحرایی خود شدیدترین جزاها را برای او می‌بُرند. حال آن‌که «زنا» ممکن بین دو انسان بالغ و با تصمیم دوجانبه صورت گرفته باشد، اما تجاوز جنسی جنگ‌جویان طالبان بر کودکان پسر و زنان و دختران، شنیع‌ترین عملی است که با جبر و زور اسلحه در زیر پرچمی ارتکاب می‌یابد که به نام اسلام سچ بلند کرده و روی آن «کلمه» را نوشته‌اند. عمل شنیع سوءاستفاده جنسی از کودکان پسر، از همان آغاز تحریک طالبان تا کنون جریان داشته است. آخرین رسوایی طالبان در این مورد، نشر ویدیوی هم‌خواه‌گی رییس گماشته‌شده این گروه در ریاست برش‌های کابل با محافظش است. همین مورد نیز تا کنون نه جزای زبر دیوار کردن و دره زدن را به دنبال داشته و نه زندان و شکنجه‌های مرسوم طالبانی را. او فقط از وظیفه برکنار شده و حتی گفته می‌شود وظیفه‌اش فقط تعلیق شده است.

موارد بسیاری را در فرمان‌های ملا عمر می‌توان

و یا در امور دینی تحت امر امیر سعی نمی‌نمایید، پس این سبب خرابی دین خدا (ج) می‌گردد...» مسلماً فرمان برای جلوگیری از یکی دو مورد ارتکاب جرم صادر نمی‌شود، بلکه زمانی صادر می‌شود که یک مساله سراسری و عمومی را بخواهد ترویج کند یا جلو آن را بگیرد. همین فرمان ملا عمر، نشان می‌دهد که نسل اول طالبان در قشله‌های عسکری خود مرتکب چه جرایمی می‌شده‌اند و این مساله چه قدر عمومیت داشته است. ملا عمر قوم‌گرایی، پنهان کردن اسلحه، سرقت، تلف کردن حق مردم، ظلم، لواط، زنا، بی‌نمازی و سرپیچی از «امر امیر» را فقط در همین فرمانش فهرست کرده و جنگ‌جویان و حتی مقام‌های غیرنظامی گروهش را از آن منع کرده است. همین فرمان به‌تنهایی می‌تواند اثبات کند که اطاعت بی‌چون‌وچرا از فرمان «امیر» در میان طالبان، یک افسانه است.

این مساله حتی در میان مقام‌های عالی‌رتبه رژیم طالبان شایع بوده است که ملا محمد عمر چندی بعد از فرمان قبلی، فرمان بعدی را به تاریخ ۱۳۷۴/۳/۱۱ صادر می‌کند و در آن از وزیران و والیان می‌خواهد تا برهنه‌روی (بیجه بی‌ریش) نگه ندارند: «وزرای محترم، والی صاحبان، تمام ولسوالان، علاقه‌داران و دلگی‌مشران مختلف طالبان!... اطفال (برهنه‌روی) در داخل تحریک به‌طوری که در کدام دلگی سکونت نمایند یا در کدام شعبه به‌صفت خادم موظف شود، به‌صورت قطعی ممنوع می‌باشد...» او در این فرمان گفته است که حفاظت از تهمت یک واجب دینی است و به همین دلیل باید به جای آن‌که این اطفال برهنه‌رو را در قشله‌های عسکری و دفاتر خود نگه دارند، آن‌ها را به مدرسه بفرستند تا «ذخیره اسلامی» داشته باشند. وقتی فرمان اولی از سوی جنگ‌جویان و مقام‌های غیرنظامی طالبان جدی گرفته نمی‌شود و سوءاستفاده جنسی از پسران کودک و نوجوان در میان طالبان همچنان شایع می‌ماند، ملا محمد عمر فرمان دومی را صادر می‌کند. این فرمان نیز کارگر نمی‌افتد و او در این زمینه فرمان سومی را به لحن خشن‌تر و جدی‌تر صادر می‌کند. در این فرمان می‌خوانیم: «به مسوولین محترم و تمام طلبا! السلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته!»

و بعد: گرچه چندین بار برای شما گفته شده است که در دلگی‌ها و محاذات با طلبا برهنه‌روی‌ها

یکی از روایت‌هایی که طالبان بر مردم می‌فروشند، این است که این گروه بسیار انسجام دارد و اعضای آن از فرمان‌های رهبر گروه اطاعت بی‌چون‌وچرا دارند. این روایت مانند روایت «تغییر طالب» چنان تبلیغ شده است که برخی از صاحب‌نظران مخالف طالبان نیز به انسجام و اطاعت کامل در این گروه باور پیدا کرده‌اند. در واقع اما وضعیت بسیار متفاوت است. این گروه نه به آن پیمان‌ه که تبلیغ می‌شود، انسجام دارد و نه توزیع قدرت کاملاً عمودی و اطاعت کاملاً بی‌چون‌وچراست. مهم‌ترین اسنادی که تا حال گروه طالبان به نشر رسانده، مجموعه فرمان‌های ملا عمر و در این دوره مجموعه فرمان‌های ملا هبت‌الله آخوندزاده است. نگاهی مختصر به این مجموعه فرمان‌ها، سقم و صحت این روایت و چندوچون اطاعت اعضای گروه طالبان از رهبر این گروه را نشان می‌دهد.

مساله اطاعت بی‌چون‌وچرا از رهبر طالبان توسط اعضای این گروه، افسانه‌ای است که از همان آغاز تحریک طالبان بافته شده است. از همان اول راه، هر جا منافع شخصی اعضای گروه طالبان اقتضا کرده یا شهوت‌شان فوران داشته، به‌ساده‌گی فرمان‌های ملا عمر را نادیده گرفته‌اند و او در دور اول امارت طالبان مجبور شده است در مورد یک مساله چند بار فرمان صادر کند. آن اعمال که بارها از سوی ملا عمر منع شده بود، تا هنوز طالبان از آن دست نکشیده‌اند. یکی از آن اعمال، لواط و زناست. ملا عمر در فرمان شماره چهارم خود که در جریده رسمی وزارت عدلیه به شماره ۷۸۸ چاپ شده، طالبان را از برخی اعمال از جمله زنا و لواط برحذر داشته است. جالب است که آن‌ها از یک طرف خود را لقب «کرام» می‌دهند و از طرف دیگر جرایمی مانند قتل و تجاوز جنسی را به‌صورت گسترده مرتکب می‌شوند. در آن فرمان ملا عمر آمده است: «به تمام مسوولین ملکی و نظامی طالبان، اسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته! هرگاه در این تحریک مقدس به خاطر قومیت، قرابت و شناخت اشخاص فاسد را داخل نموده‌اید یا سلاح را پنهان نموده‌اید و یا طور دیگر سرقت نموده‌اید و یا حقوق مسلمانان را تلف نموده باشید و یا به همراه‌شان ظلم نموده باشید و یا زنا، لواط و بی‌نمازی می‌نمایید و یا بی‌امری امیر را می‌نمایید



روایت سقوط کابل؛ مقصر کیست؟

کله ژاله عامی

۱۵ اگست ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر، هر صفحه‌ای که روی نمایه می‌ایلم ظاهر می‌شد، حاوی یک خبر بد و ناامیدکننده بود. پروان سقوط کرد، کاپیسا سقوط کرد، طالبان نزدیک کوه‌سنگی هستند، طالبان سر کوتل خیرخانه رسیده‌اند و... این‌ها خبرهایی بود که در صفحات اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد، ولی با آن هم امید داشتم که شاید توافقی شده باشد و پایان این همه ترس، خیر باشد؛ چون شایعه بود که حکومت موقت تشکیل می‌شود و طالبان شریک قدرت می‌گردند. به همین حرف‌ها، دل خوش بودم و امیدوار؛ ولی آن دل خوشی و امیدواری وقتی از هم گسست که خبر فرار رییس جمهور از ریاست جمهوری در رسانه‌ها پخش شد. آن وقت دانستیم که افغانستان معامله شده و ما مردم این کشور در عمق یک گودال پرتاب شده‌ایم و قربانیان این معامله هستیم.

یادم نمی‌رود آن لحظه که در خانه با خواهرم تنها بودم، همه رفته بودند پی کارشان. مادر و پدرم به دیدن پسر کاکایم که تازه از ولایت غزنی برگشته بود، رفته بودند. او و هم‌زمانش مدتی نزد طالبان اسیر بودند. دو روز قبل از سقوط کابل، طالبان بعد از تسلیم شدن ولایت غزنی از آن‌ها تعهد کتبی مبنی بر این که دیگر وارد خدمت در ارتش افغانستان نمی‌شوند خواسته بودند. آن‌ها برای نجات جان خود، آن کاغذ را امضا کرده بودند. حس بد وحشت‌ناکی داشتم. حس می‌کردم دیگر هیچ امید

ساعت روی ۱۰:۰۰ قبل از ظهر ایستاده بود. عقربه بزرگ آهسته بر محور اصلی دور می‌زد. من حس می‌کردم که سرعت عقربه کند شده است. مشغول مرور شبکه اجتماعی فیس‌بوک بودم تا از خبرهای جدید آگاه شوم. دو روز می‌شد که با اتفاق همکارانم به دفتر نرفته بودیم. وضعیت امنیتی وخیم گزارش می‌شد و هر لحظه خطر تهدیدمان می‌کرد. در چند هفته گذشته، ولایت‌ها یکی پی دیگر در حال تسلیم شدن بودند. تا زمانی که طالبان وارد کاپیسا، پروان و بغلان نشده بودند، امید داشتیم که کابل سقوط نمی‌کند و طالبان براساس برنامه از قبل تعیین شده می‌آیند و شامل قدرت می‌شوند. با درک این که با حضور طالبان هیچ شهروند افغانستانی راضی نبود، ولی همه مردم بین «بد» و «بدتر» گیر افتاده بودند. مردم از جنگ بیست‌ساله خسته و دل‌گیر بودند و می‌خواستند به هر طریقی می‌شود جنگ تمام شود، افغانستان نفس راحت بکشد و زنده‌گی را که حق انسانی همه است، این‌ها نیز داشته باشند؛ ولی اگر بهای این آرامش شریک شدن طالبان در بدنه قدرت سیاسی بود، مردم آماده پذیرفتن آن بودند. ولی افسوس و صد افسوس که این‌گونه نبود. طالب‌ها نیامده بودند که شامل قدرت شوند، بلکه آمده بودند تا تمام قدرت را بگیرند و مردم را برده خود بسازند.

و روزنه‌ای نیست و زنده‌گی به آخر خط رسیده و حتا از دست خدا هم کاری ساخته نیست.

خانه ما نزدیک سرک عمومی بود. از پنجره شاهد تماشای مردمی بودم که به هر مسیری روان بودند. چهره‌های عبوس، آشفته و خسته را می‌دیدم که به هر سمتی راه طی می‌کردند. هر کسی برای رسیدن به مقصد که همانا خانه بود عجله داشت و همه می‌خواستند به خانه امن خود برسند. گویا شاهد صحنه یک فلم هالیوودی هستم که زامبی‌ها بر شهر حمله کرده‌اند و مردم پریشان و مضطرب دنبال پناه‌گاه سرگردانند. خیابان دچار وحشت شده بود و قیامت واقعی را داشتم تماشا می‌کردم. بغض راه گلوبم را بسته بود. می‌خواستم فریاد بزنم، از به بدبختی و بیچاره‌گی سرزمین و مردم. اشک‌هایم آهسته جاری شد. جز گریه کردن بر پیکر سرزمین خسته‌ما، چه کاری از دست‌مان ساخته بود؟ کی را مسوول این بدبختی می‌دانستیم؟ خدا را؟ اشرف غنی را؟ طالبان را؟ معامله‌گرانی که ما را معامله کردند؟ حس می‌کردم مغزم دارد فلج می‌شود.

در اوج ناامیدی، به خواهرم گفتم: «رسیدیم به آخر خط». او نیز فقط نگاه می‌کرد. نه حرف می‌زد و نه حتا نفس کشیدنش پیدا بود.

ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر، تمام اعضای خانواده جمع شدند. همه پریشان، خسته و نگران بودند. خبرهای طلوع نیوز را دنبال می‌کنیم. هیچ کس چیزی نمی‌گوید، همه ساکت‌اند و پیشانی‌ها اخم افتاده. خیابان ساکت و آرام است و صدای هیچ زنده‌جانی به گوش نمی‌رسد. حتا یک آدم هم از خیابان رد نمی‌شود. برادرم استدیوی عکاسی داشت، تمام وسایل قیمتی استدیو را با خود به خانه آورده بود که مبادا دکان‌های مردم غارت شود و تنها سرمایه‌اش به تاراج برود. عصر شد، به دنبال آن شب آمد و دوباره آفتاب طلوع کرد و صبح شد...

آفتاب همان آفتاب بود، آسمان همان آسمان و شهر همان شهر، ولی ما دیگر آن مردم نبودیم. همه زنده‌گی‌مان زیروزیر شده بود. فقط در یک شب، زنده‌گی بیست‌ساله‌مان به تاراج رفته بود و به قول فروغ فرخزاد «شهر ما گورستان آرزوهای‌مان شده بود».

خیلی از مردم شب سقوط کابل بر میدان هوایی کابل هجوم بردند. آن‌هایی که گذرنامه داشتند یا نداشتند، همه می‌خواستند از این ماتم‌سرا فرار کنند. خبرهای میدان هوایی کابل وحشت‌ناک بود. آن خبرها نشان‌دهنده عمق فاجعه و بدبختی‌ای بود که مردم افغانستان گرفتار آن شده بودند. هر کسی برای سوار شدن به هواپیما، تقلا می‌کرد. یکی از راه مرداب وارد محوطه می‌شد، دیگری از بالای سیم خاردار و سومی در بال هواپیما جا گرفت که سرانجام سقوط کرد و به زنده‌گی‌اش نقطه پایان گذاشت. اوج وحشت همان‌دم بود. دمی که مرگ هر لحظه همین دوروبرها بود. برای فرار از آن وحشت ناخواسته، آدم‌های بسیاری به کام مرگ افتادند.

بعد از سقوط کابل، هیچ دل‌خوشی‌ای برای زنده‌گی ندارم، فقط نفس می‌کشم که این وضعیت را نمی‌شود زنده‌گی کردن گفت. در شادترین لحظات، وقتی یادم می‌آید که زیر تسلط طالبان هستیم، از اعماق قلب می‌شکنم و حسرت روزهای خوب گذشته را می‌خورم؛ روزهایی که برای رویاهایم تلاش می‌کردم. به یاد روزهایی می‌افتم که قبل از اذان بامداد برای رفتن به دانشگاه آماده می‌شدم، درس می‌خواندم و تلاش می‌کردم یک زن مستقل و مفید برای جامعه خود باشم. با تسلط طالبان و این‌همه جهل و جنایت، دیگر روزنه‌ای برای آینده روشن برایم باقی نمانده است. مثل من، هزاران زن این سرزمین بالای آتش اشتیاق برای رسیدن به آرزوهای قشنگ‌شان، آب سرد پاشیده شده است. رویاها و آرزوهای میلیون‌ها زن این سرزمین به خاکستر تبدیل شده و به فنا رفته است. مثل این که یک سیلاب آمده و هست‌بود و داروندارمان را با خود برده است. این سیلاب مدهش، کشور را به ویرانه‌ای از رویاهای مردمش تبدیل کرده است.

از آن تاریخ بیش از دو سال می‌گذرد، دو سالی که بالای مردم ما یک قرن گذشت. هزاران خانواده مجبور به ترک کشور شده‌اند. آن‌ها با تحمل هزاران مشقت و دردسر، آواره‌گی را به بودن زیر شلاق طالبان ترجیح داده‌اند. اقتصاد بسیاری از خانواده‌ها زیر صفر رسیده که حتا مردم مجبور شده‌اند به خاطر به دست آوردن یک لقمه نان، دختران خود را به فروش برسانند و یا گرده خود را. دختران از حق آموزش محروم شده‌اند و دروازه‌های مکتب و دانشگاه و آموزشگاه تا امروز به روی‌شان بسته است. زنان از حق کار محروم شده‌اند و سال‌ها درس و زحمت‌شان خلاصه شده به عزلت در کنج خانه. بال‌های‌شان بسته شده و مانع پروازشان شده‌اند. آدم‌ها به جرم خدمت در حکومت قبلی، به شدت مجازات و یا کشته شده‌اند. آزادی مردم سلب شده، آزادی بیان ناپود شده و صدای اعتراضات به شدت خاموش گردیده است. حقوق بشر در نقطه‌نقطه افغانستان نقض شده و مردم به جرم نسبت داشتن به یک قوم یا تبار خاص، محکوم به فنا شده‌اند.

صادقانه اعتراف می‌کنم که قلمم از بیان این‌همه خشونت و جنایت عاجز است؛ حتا از درد خودم. حافظ بزرگ می‌گفت: «کلبه‌ی احزان شود روزی گلستان غم مخور» سوال این‌جاست که این کلبه ویران، چه زمانی گلستان خواهد شد؟ شاید نسل‌های بعد روزی که دیگر ما نیستیم تا شاهد آزادی و آبادی سرزمین‌مان باشیم، تا شاهد آزادی و برابری جنسیتی زنانی باشیم که به جرم زن بودن محکوم نشوند و قربانی سیاست‌های مزخرف سنتی-قبیله‌ای مردان خشن و جاهل نشوند. دختران این مرز و بوم حسرت زنده‌گی دختران کشورهای بیرونی نخورند و از حقوق انسانی‌شان محروم نگردند. من و افغانستان یک جهان درد داریم که هیچ قلمی توان نوشتن همه این دردها را ندارد. امروز اما می‌توانیم در آرزوی آن روز، زنده بمانیم.



در همین حال، مقام‌های محلی طالبان در پروان می‌گویند که امسال حاصلات انگور در این ولایت نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد افزایش یافته است. محمدرحیم نعمانی، رییس زراعت، آبیاری و مالداری طالبان در پروان به رسانه‌ها گفته است که در سال روان به دلیل آب‌وهوای مناسب، ترویج باغداری و ساخت باغ‌ها در بخش‌های مختلف این ولایت، حاصلات انگور افزایش یافته است. نعمانی افزوده که ریاست زراعت پروان تلاش دارد تا با هم‌کاری کارمندان فنی، در بخش‌های مختلف شیوه‌های جدید باغداری را به باغداران آموزش دهد تا محصولات‌شان افزایش یابد و از نگاه اقتصادی خودکفا شوند. به گفته وی، با معرفی سیستم‌های جدید باغداری برای مبارزه با امراض و

عبدالفتاح یکی دیگر از کشاورزان پروان در صحبت با رومانه ۸ صبح گفت: «امسال فکر کنم که مصارف بیل‌داری و کود کیمیاوی را که مصرف کردیم، پوره کنیم، چون یک سیر انگور به ۸۰ افغانی رسیده است. شما فکر کنید که یک شخص ۵۰۰ تاک داشته باشد و آن هم یک هزار سیر یا کمتر از آن انگور برداشت کند. آیا مصارفی که کرده را پوره می‌کند؟ معلوم است که نمی‌کند. یک بوجی کود را از دو هزار و ۲۰۰ افغانی تا پنج هزار افغانی هم خریداری کردیم. سال گذشته حاصلات انگور ما را باران و ژاله از بین برد و امسال بازار مناسب ندارد.»

نبود سرخانه‌های معیاری چالش دیگری است که کشاورزان پروان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اکرم‌شاه، از کشاورزان منطقه بایان شهر چاریکار پروان خواستار ایجاد سردخانه‌های معیاری از سوی نهادهای امدادرسان بین‌المللی و طالبان شد. او افزود: «اگر



از صفحه ۳

نبود بازار مناسب برای فروش...

سردخانه‌های معیاری ساخته شود، می‌توانیم که انگور را در آن نگهداری کنیم و چند مدت بعد بفروشیم. در این صورت هم دست باغداران گرفته می‌شود و هم کشاورزی ترقی می‌کند. در سال‌های گذشته میلیون‌ها دالر به‌خاطر حمایت کشاورزان حیف‌ومیل شد. در غیر آن ما در این وضعیت قرار نمی‌گرفتیم.»



**اسلام‌آباد،
نه‌تنها ایالات
متحده، که
کشورهای
منطقه را نیز
می‌خواهد
با سازی که
می‌نوازد،
برق‌مساند.**



بازی پاکستان با کارت تی‌تی‌پی

شجاع‌الدین امینی

با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، نگرانی کشورهای منطقه به‌ویژه همسایه‌ها افزایش یافته است. در این میان، پاکستان بیش از هر کشوری نگران به نظر می‌خورد؛ چون تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) به‌گونه پیهم نظامیان این کشور را آماج حمله قرار می‌دهد. مقام‌های اسلام‌آباد، گروه طالبان را متهم به پناه دادن به تی‌تی‌پی می‌کنند؛ ادعایی که همواره از سوی این گروه رد شده و نتوانسته قناعت طرف پاکستانی را فراهم کند.

به‌تازگی انوارالحق کاکر، نخست‌وزیر موقت پاکستان، در گفت‌وگو با رسانه «جیو نیوز» مدعی شده که تی‌تی‌پی نه‌تنها از خاک افغانستان علیه پاکستان تهدید می‌آفریند، بل با تجهیزات نظامی پیش‌رفته جامانده از نظامیان امریکایی در افغانستان، مسلح‌اند: «در گذشته این گروه‌ها توانایی محدود برای هدف و حمله داشتند؛ اما امروز با اضافه شدن تجهیزات اگر بخواهند حتی یک انگشت را هدف قرار می‌دهند. این اضافه شدن انرژی نیست، اضافه شدن تجهیزات است.»

در پیوند به نگرانی مقام‌های اسلام‌آباد، به‌ویژه نخست‌وزیر موقت پاکستان، چند پرسش مطرح می‌شود؟

۱- آیا پاکستان از ایالات متحده روی برمی‌گرداند؟
این پرسش به‌خاطر مطرح می‌شود که نخست‌وزیر پاکستان، تیر اتهام را به سوی امریکا نشانه گرفته است. وی مدعی شده که خروج عجلانه امریکا از افغانستان، مهم‌ترین عامل گسترش تروریسم در خاک پاکستان است؛ چون به زعم او، جنگ‌جویان تی‌تی‌پی با تجهیزات پیش‌رفته نظامیان امریکایی مسلح شده‌اند. پیش از این، روزنامه «دان» پاکستان نیز به نقل از مقام‌های این کشور مدعی شده بود که

جنگ‌جویان تی‌تی‌پی تجهیزات نظامی پیش‌رفته امریکایی در اختیار دارند.

همچنان مسعود خان، سفیر پاکستان در امریکا، در یک نشست عمومی مدعی شده است: «از زمان خروج نظامیان امریکایی از افغانستان، در حملات متعدد در پاکستان بیش از ۱۵۰۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند.»

این‌گونه اظهارات قاعدتاً از سوی سفیر پاکستان برای افغانستان باید مطرح شود، نه سفیر این کشور برای امریکا که قلمرو ماموریتش تفاوت دارد؛ ولی از آن‌جایی که نگرانی پاکستان فزونی یافته و تی‌تی‌پی به تجهیزات پیش‌رفته امریکایی دست یافته است، خواسته است صدای اعتراضش را از گلوئی سفیرش در گوش امریکا برساند.

درست است که مسلح شدن تی‌تی‌پی با تجهیزات امریکایی برای پاکستان خطرآفرین است، ولی این لزوماً به مفهوم دوری‌گزیدن این کشور از امریکا نیست. ایالات متحده، پاکستان را به چشم متحد راهبردی در امر آنچه مبارزه با تروریسم می‌خواند، می‌بیند. اسلام‌آباد هم به‌غایت تلاش به خرج می‌دهد تا منافعی با واشنگتن را هم‌سو جلوه دهد و حمایت این کشور را کسب کند. برای نمونه، مسعود خان ضمن ابراز نگرانی کشورش از ناحیه تقویت تی‌تی‌پی، از ضرورت اتحاد اسلام‌آباد با واشنگتن نیز سخن گفته است: «اسلام‌آباد و واشنگتن تصمیم گرفته‌اند تهدیدات فعلی را از طریق همکاری در مبارزه با تروریسم از بین ببرند.»

به‌تازگی روزنامه پاکستانی اکسپرس تریبون، با نشر مقاله‌ای مدعی شد که القاعده با تحریک طالبان پاکستانی پیوند محکم برقرار کرده و به جنگ‌جویان این گروه اردوگاه‌های آموزشی فراهم کرده است. روشن است که ایالات متحده از میان همه گروه‌های

تروریستی تنها القاعده را دشمنی می‌داند که بایستی به‌گونه کامل نابود شود. نه‌تنها القاعده، بل گروه‌هایی که به این گروه پناه می‌دهند یا با آن رابطه برقرار می‌کنند، نیز در معرض خشم امریکا قرار می‌گیرند. مقام‌های پاکستانی ممکن است از روی عمد، خطر پیوند میان القاعده و تی‌تی‌پی را بیشتر برجسته سازند تا حمایت ایالات متحده را برای سرکوب این گروه به دست آورند.

این نشان می‌دهد که پاکستان به دنبال کسب بیشترین حمایت امریکا است، نه بریدن از این کشور یا قرار گرفتن علیه آن.

۲- آیا اتحاد منطقه‌ای در مبارزه با تروریسم شکل می‌گیرد؟

تغییر رویکرد برخی کشورهای همسایه و منطقه، منجر به خلق پرسش فوق شده است. رابطه ایران با طالبان شکرآب شده است. تهران برای بهتر شدن رابطه، به جلو گام می‌گذارد، ولی طالبان پا پس می‌کشند. نگرانی روسیه و متحدانش در آسیای میانه اوج گرفته است. میزبانی مسکو از احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، را می‌توان نوعی چرخش ضعیف در موضع این کشور در مواجهه با طالبان خواند. همچنان ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، به مناسبت نخستین سالروز کشته شدن دو دیپلمات این کشور در حمله انتحاری در کابل، اقدامات طالبان در امر مبارزه با تروریسم را ناکافی خواند. چندی قبل، رییس‌ان جمهور کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان و اوزبیکستان با برگزاری نشستی در عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان، نگرانی‌شان پیرامون احداث کانال قوش‌تپه از سوی طالبان را ابراز داشتند. همچنان گسترش فعالیت تی‌تی‌پی، فغان پاکستان را کشیده است. نخست‌وزیر موقت پاکستان، گفت: «تسلیمات مدرن و پیش‌رفته امریکایی که پس از خروج نیروهای این کشور در افغانستان به جا مانده است، نه‌تنها برای پاکستان، بل برای منطقه تهدیدی بزرگ است. این تجهیزات در آینده چین، آسیای میانه و ایران را تهدید می‌کند و ممکن است آشفته‌گی بزرگی در منطقه ایجاد کند.»

اسلام‌آباد، نه‌تنها ایالات متحده، که کشورهای منطقه را نیز می‌خواهد با سازی که می‌نوازد، برق‌مساند. تازه که منافع این کشور در مخاطره قرار گرفته است، با این اظهارات می‌خواهد منطقه را به دنبال خود بکشاند؛ در حالی که شورایی چون روسیه و ایران در دو سال گذشته بارها نگرانی‌شان را در زمینه بیان کرده‌اند. ظاهر سخن مقام پاکستانی خوش‌نماست، ولی در آن سم قاتلی نهفته است: به‌رسمیت‌شناسی طالبان. استدلال اسلام‌آباد و لابی‌گران طالب این است که در صورت به رسمیت شناخته شدن امارت طالبان، خطر فعالیت گروه‌های تروریستی در افغانستان نابود خواهد شد؛ چون به زعم آن‌ها،

گروه طالبان در این صورت تبدیل به حکومت مسوول می‌شود و مسوولیتش را در مبارزه با گروه‌های تروریستی خوب‌تر درک خواهد کرد.

همچنان، پاکستان می‌خواهد با منطقه‌هراسی، از امریکا باج‌خواهی کند. ضمن آن‌که ایالات متحده را دولتی معرفی می‌کند که با خروجش از افغانستان، تروریست‌ها را علیه منطقه مسلح کرده است، آن را به حمایت از خود نیز مجبور می‌سازد. واشنگتن هم برای آن‌که اسلام‌آباد به سمت حمایت از منافع روسیه، چین و ایران نلغزد، حمایتش از پاکستان را دریغ نمی‌کند.

۳- آیا پاکستان از طالبان روی برمی‌گرداند؟

تشدید فعالیت‌های تی‌تی‌پی علیه پاکستان و انجام حمله‌های هوایی از سوی این کشور در خاک افغانستان و همین‌طور بالا گرفتن تنش لفظی میان مقام‌های این کشور و طالبان، سبب خلق پرسش فوق شده است. روشن است که رابطه پاکستان و طالبان عمیق‌تر از آن است که به انقطاع کامل بینجامد. بروز تنش لفظی میان دو طرف، بدهی است و دلالت بر تیره‌گی رابطه نمی‌کند. چیزی که این رابطه را محکم نگه داشته است، دوسویه بودن آن است؛ به این معنا که طالبان به پاکستان و پاکستان به طالبان نیاز دارد. نخست‌وزیر موقت پاکستان گفته است: «خروج عجلانه امریکا از افغانستان باعث شد سلاح‌های دولت سابق و نیروهای امریکایی به غیر از طالبان به دست گروه‌های مسلح دیگر بیفتد.»

از گفته فوق، چنین مستفاد می‌شود که قرار گرفتن تسلیحات پیش‌رفته امریکایی در اختیار طالبان، به خودی خود نه‌تنها خطرآفرین نیست، بل می‌تواند به مصلحت پاکستان باشد؛ ولی زمانی می‌تواند تبدیل به خطر شود که به دست سایر گروه‌های مسلح به‌ویژه تی‌تی‌پی بیفتد.

پاکستان در حالی خروج عجلانه امریکا از افغانستان را عامل تقویت تی‌تی‌پی می‌داند که خود به حمایت از تروریسم در افغانستان متهم است. این کشور در بیست سال گذشته تمام‌قد در حمایت از طالبان ایستاد و این گروه را تا دم در قدرت همراهی کرد که نتیجه آن، فریه‌تر شدن تی‌تی‌پی بوده است. بهتر است مقام‌های پاکستانی سر در گریبان فرو برده اعتراف کنند که حمایت از طالبان و شیوه بد حکومت‌داری این گروه و پیوند آن با سایر گروه‌های تروریستی، عامل تقویت تروریسم در پاکستان است، نه فقط خروج امریکا از افغانستان.

شاید راه بهتر این باشد که پاکستان چون سایر کشورهای جهان به این امر اعتراف کند که حکومت سچ‌ه طالبانی به مصلحت افغانستان نیست و ایجاد دولت فراگیر مردم‌سالار با قاعده وسیع که همه بتوانند خود را در آیین آن تماشا کنند، می‌تواند به بحران جاری نقطه پایان بگذارد.

افغانستان و معضل روبه‌گسترش بی‌سوادی

میرزایی

زمانی که انسان نوشتن را کشف کرد، حادثه‌ای مهم در زنده‌گی بشر در روی زمین اتفاق افتاد. این حادثه موجب شد که زنده‌گی بشر به دو بخش تقسیم شود: بخشی که تاریخ در مورد آن سخن می‌زند و قسمتی که یادی از آن در تاریخ نیست و از این جهت، می‌توان گفت اصلاً وجود ندارد. کشف نوشتن، هزاران سال پیش روی داده، با آن هم، جهان تا هنوز با پدیده «بی‌سوادی» دست‌وپنجه نرم می‌کند و به همین خاطر روز ۱۷ سنبله (۸ سپتامبر) به نام «روز مبارزه با بی‌سوادی» مسما شده است.

آمارهای منتشرشده در مورد میزان بی‌سوادی شهروندان در کشورهای مختلف جهان، هشداردهنده است. یکی از کشورهای بی‌سوادی که میزان بی‌سوادی در آن‌ها از سطح هشدار فراتر رفته، افغانستان است. با آمدن دوباره طالبان، نظام آموزشی کشور گرفتار



بحران شد. علاوه بر آن، با محروم شدن زنان از آموزش و تحصیل، گرفتاری کشور از این ناحیه روزافزون شده و در آینده نزدیک، این کشور از جمله کشورهای خواهد بود که اکثریت مطلق زنان آن، از بی‌سوادی و عدم آموزش رنج خواهند برد. با وصف

تأکید بر این نکته بسیار مهم است که انسان، محصول آموزش است و هر قدر انسان‌ها به فرصت‌های آموزشی بیش‌تری دست یابند، به همان پیمان به انسانیت کامل‌تری دسترسی خواهند داشت. مسلماً بدون آموزش، امکان نداشت که انسان‌ها به این همه دستاورد بزرگ در عرصه‌های گوناگون دست یابند. با عنایت به این موضوع، به‌صراحت می‌توان بیان کرد شورایی که از میزان بالای بی‌سوادی رنج می‌برند، جامعه‌هایی هستند که از ایجاد تغییر در زنده‌گی‌شان ناتوانند و نمی‌توانند به دل‌خواه خود، آینده‌شان را بسازند. فرد بی‌سواد، فردی است که قادر نشده ظرفیت‌های بالقوه خود را بالفعل بسازد و از این لحاظ نمی‌تواند از استعدادهای نهفته خود به‌درستی بهره‌برد و از آن در جهت رفتن به جلو استفاده کند.

افغانستان و معضل روبه...

است و ظاهراً بی‌سواد و جاهل نگه داشتن مردم را بهترین وسیله برای این کار می‌دانند. نکته قابل ذکر دیگر این است که اگرچه در گذشته، ناتوانی در خواندن و نوشتن را بی‌سوادی می‌نامیدند، اما اکنون بی‌سوادی منحصر به این مفهوم نیست و شامل جنبه‌های دیگری نیز می‌شود. برای مثال، بی‌سوادی دیجیتال یکی از انواع بی‌سوادی است. همچنین با توجه به این که زبان انگلیسی مهم‌ترین زبان در عرصه دنیاست و کلیدی است که ما را به بازار کار و عرصه دانش کمک می‌کند، نیاموختن زبان انگلیسی در بسیاری از جامعه‌ها به مثابه بی‌سوادی تلقی می‌شود. حتا بسیاری از تخصص‌های رایج در جهان، وابسته به یادگیری درست و حسابی زبان انگلیسی است. اگر معیارهای امروزی‌تر سواد را مد نظر قرار دهیم، می‌توانیم حکم کنیم که بسیاری از آثانی که خواندن و نوشتن را آموخته‌اند، بی‌سواد به حساب می‌آیند.

زنده‌گی مدرن، زنده‌گی پیچیده و در حال دگرگونی است. بسیاری از مفاهیم به ارث رسیده از گذشته، به حالت اصلی خود باقی نمی‌مانند و دچار تحول معنایی می‌شوند. مفهوم سواد و بی‌سوادی نیز از امر مستثنا نیست و نیاز به بازتعریف دارد. بی‌سوادی یکی از موانع اصلی فراراه ترقی کشورهاست. رهبران فکری و سیاسی جامعه‌ها وظیفه دارند با انواع مختلف بی‌سوادی مبارزه کنند و هر چیزی را که مانع فراراه پیش‌رفت و ترقی یک کشور ایجاد می‌کند، از میان بردارند. تجربه‌های بسیار موفقی در این زمینه وجود دارد که الهام‌بخش است. در گذشته نزدیک، بنگله‌دیش در جنوب آسیا از جمله کشورهایی بود که با انواع مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کرد و نمونه واضح یک جامعه عقب‌مانده جهان سوم بود. روزی رهبران آن تصمیم گرفتند که سرنوشت کشور را تغییر دهند و با گستراندن سواد و آموزش در لایه‌های گوناگون جامعه، حوادث را در مجرای متفاوتی بیندازند. این شد که حالا بنگله‌دیش در حال فتح قله‌های موفقیت یکی پس از دیگری است.

کوشش‌های قابل ملاحظه‌ای در زمینه مبارزه با بی‌سوادی در سطح جهان صورت گرفته که امیدآفرین و خوشحال‌کننده است؛ اما تأسفبار است که رژیم حاکم در افغانستان از جمله معدود کشورهای جهان است که نهنته‌ها برای محو بی‌سوادی برنامه جامع و موثری در اختیار ندارد، بلکه با پی‌محتوا و ایدیولوژیک کردن نظام آموزشی، عملاً به گسترش جهل و بی‌سوادی کمک می‌رساند. همچنین این رژیم با محدود و خانه‌نشین کردن زنان، آنان را از آموزش و بهره‌گیری از مزایای زنده‌گی مدرن و امروزی، محروم کرده است. سازمان‌های جهانی از قبیل یونیسف، برنامه‌هایی را در جهت ریشه‌کن کردن بی‌سوادی در کشور روی دست دارند، اما معضل بی‌سوادی در افغانستان، بزرگ‌تر از آن است که با این قبیل اقدامات جزئی و محدود، راه حلی برای آن پیدا شود. نهادهایی همچون یونیسف، با توجه به این که از فعالیت این نهادها از سوی طالبان نظارت صورت می‌گیرد، ممکن است قادر نشوند به صورت ایده‌آل، برنامه‌های خود را در جهت محو بی‌سوادی پیش ببرند و احتمال دارد هزینه‌هایی که در این زمینه صورت می‌گیرد، تناسبی با نتایجی که حاصل می‌شود، نداشته باشد. نگاهی به کارنامه یونیسف در افغانستان، بیانگر آن است که برنامه‌های این سازمان در جهت گسترش سواد در میان کودکان، به دستاوردهای بزرگ نایل نشده و سوادانی در مورد آن وجود دارد.



عوامل متعددی سبب شده که میزان بی‌سوادی در افغانستان رو به افزایش باشد. از جمله این عوامل، فقر است. نکته قابل تامل این است که میان بی‌سوادی و فقر، رابطه دوطرفه وجود دارد؛ چون هر جایی که فقر وجود داشته باشد، بی‌سوادی نیز گسترش می‌یابد و در هر جامعه‌ای که بی‌سوادی افزایش یابد، فقر نیز گسترده می‌شود.

عامل دیگری که بی‌سوادی را در افغانستان رواج می‌دهد، روی کارآمدن رژیم‌هایی است که اندیشه‌ای مدون برای توسعه نداشته‌اند و گرفتار تصورات و توهمات ایدیولوژیک بوده‌اند. رژیم طالبان یکی از آن رژیم‌های توهم‌زده و ایدیولوژیک است که اکنون سرنوشت مردم را در دست گرفته است. این رژیم با ایدیولوژیک کردن نظام آموزشی و تحصیلی کشور، بزرگ‌ترین صدمه را به کشور وارد کرده است. همچنین رژیم طالبان با ممنوع ساختن آموزش و تحصیل دختران، نیم نفوس کشور را عملاً خانه‌نشین کرده و از کار و فعالیت مفید و موثر محروم ساخته است. کارنامه طالبان در زمینه تعلیم و تحصیل، مخرب‌ترین نتایج را به بار خواهد آورد و برای سال‌های سال، افغانستان از این ناحیه در رنج و عذاب خواهد بود. متأسفانه رهبران طالبان، به علت تنگ‌نظری و ناآگاهی از لوازم زنده‌گی در دنیای معاصر، زنده‌گی میلیون‌ها انسان این سرزمین را به تباهی کشانده‌اند. فعلاً آن چه برای طالبان اهمیت دارد، تحکیم پایه‌های قدرت‌شان

در چند دهه پسین، کشورهای جهان، با تدوین سیاست‌های معقول و منسجم آموزشی، گام‌های بلندی در راستای مبارزه با بی‌سوادی برداشته‌اند و از این جهت، روزتاروز میزان بی‌سوادی در کشورهای گوناگون جهان، رو به کاهش است. با وجود این، افغانستان از جمله کشورهایی است که با معضل بی‌سوادی گسترده و مزمن مواجه است. در بیست سال نظام جمهوری، با وصف اختلاس‌های گسترده‌ای که از بودجه معارف و تحصیلات عالی صورت گرفت، در زمینه گسترش آموزش و محو بی‌سوادی، کارهای قابل تحسینی انجام شد و گام‌های بلندی برداشته شد، از جمله میلیون‌ها دختر فرصت یافتند به مکتب و دانشگاه بروند. اگر آن روند ادامه می‌یافت، قطعاً نتایج ملموسی به دست می‌آمد، ولی با بازگشت طالبان، همه آن کوشش‌ها ضرب صفر شد و نظام آموزشی کشور گرفتار فروپاشی گردید. دردناک‌تر از همه این که پس از حاکمیت دوباره طالبان، دختران و زنان اجازه نیافتند به آموزش و تحصیل بپردازند و عملاً نیمی از پیکر جامعه از کار افتاد. پیش‌بینی می‌شود اگر تا چند سال آینده این روند ادامه یابد، ما با جامعه‌ای به کلی عقب‌مانده و ناتوان و مفلوج مواجه خواهیم بود.

عوامل متعددی سبب شده که میزان بی‌سوادی در افغانستان رو به افزایش باشد. از جمله این عوامل، فقر است. نکته قابل تامل این است که میان بی‌سوادی و فقر، رابطه دوطرفه وجود دارد؛ چون هر جایی که فقر وجود داشته باشد، بی‌سوادی نیز گسترش می‌یابد و در هر جامعه‌ای که بی‌سوادی افزایش یابد، فقر نیز گسترده می‌شود. این دور و تسلسل باطل تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که دولت‌ها موفق شوند سیاست‌هایی را تدوین کنند که مبارزه با فقر و بی‌سوادی را در کنار هم در اولویت خود قرار دهند. فقر و بی‌سوادی، لازم و ملزوم یکدیگرند و مبارزه با یکی، بدون مبارزه با دیگری، معنا و مفهومی ندارد.

حادثه ترافیکی در خوست و پروان؛ دوتن جان باختند و هشت تن زخمی شدند

۸صبح، خوست: منابع محلی در خوست و پروان از وقوع دو حادثه ترافیکی در این ولایت‌ها خبر می‌دهند.

منابع محلی از خوست می‌گویند که در اثر واژگون شدن یک عراده موتر از جاده، دو جوان جان باخته و چهار تن دیگر زخم برداشته‌اند.

این رویداد پس از چاشت روز شنبه، ۱۸ سنبله، در ساحه عیدمحمد، مربوط به ولسوالی تنی این ولایت رخ داده است و قربانیان این حادثه برای سیاحت به این محل رفته بودند.

از سویی هم، یک منبع در شفاخانه ولایتی خوست به روزنامه ۸صبح می‌گوید که وضعیت صحتی زخمیان این حادثه وخیم بوده و تا کنون هویت این افراد روشن نشده است.

در همین حال، مقام‌های محلی طالبان در پروان می‌گویند که در نتیجه یک رویداد ترافیکی در منطقه قلعه‌خواجه این ولایت، چهار تن به‌شمول زنان و کودکان زخمی شده‌اند.

این رویداد حوالی ساعت ۹:۰۰ صبح امروز رخ داده است.

به گفته طالبان، این حادثه زمانی اتفاق افتاد که یک موتر باربری و موتر نوع کرولا از طرف کابل به شمال در حال حرکت بودند.

استخراج معدن سنگ کرومایت در پکتیکا آغاز شد



۸صبح، پکتیکا: طالبان از آغاز کار استخراج معدن سنگ کرومایت در ولسوالی گیان پکتیکا خبر می‌دهند. دفتر رسانه‌های والی طالبان در پکتیکا، روز شنبه، ۱۸ سنبله، با نشر خبرنامه‌ای از آغاز کار استخراج معدن سنگ کرومایت در ساحه «انزروی» ولسوالی گیان این ولایت، خبر داده است.

در خبرنامه آمده که قرارداد استخراج این معدن، در کابل با یک شرکت خصوصی داخلی صورت گرفته است و نظریه این قرارداد، حدود ۹۰ هزار تن سنگ کرومایت از این معدن استخراج می‌شود.

بر بنیاد اطلاعات، هر تن سنگ کرومایت این معدن به مبلغ ۱۵ هزار و ۱۰۰ افغانی به قرار داد سپرده شده و بر این اساس یک میلیارد و ۳۵۹ میلیون افغانی طی پنج سال آینده از استخراج این معدن عواید به دست خواهد آمد.

به گفته مسوولان محلی طالبان در پکتیکا، با آغاز کار استخراج این معدن، به ۵۰ تن از باشندگان محل نیز زمینه کار فراهم شده است.

طالبان در حالی از استخراج معدن سنگ کرومایت در پکتیکا خبر دادند که چندی پیش، کار استخراج یک معدن ذغال سنگ در ولسوالی سروضه این ولایت، بدون داوطلبی از سوی نزدیکان یک فرمانده محلی این گروه آغاز شده است.

محمدعلی نظری، مقیم مهران
رضا مرادی
Info@8am.media
Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

ویراستاران:
صفحه آرایی:
پذیرش مقالات:
پذیرش اعلان:
نشانی پستی:

Sanjar.sohail@8am.media سنجر سهیل
Mohammad.moheq@8am.media محمد محق
Hasib.bahesh@8am.media حسیب بهش
محمد نوید جویا
امین کاوه

صاحب امتیاز:
مدیرمسول:
سر‌دبیر:
دبیر تولید:
خبرنگار ارشد:

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

بربنیاد گزارش‌ها، به سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس، پایتخت فرانسه حمله شده است. خبرگزاری تسنیم روز شنبه، ۹ سپتامبر، گزارش داده که دروازه پشتی ساختمان سفارت هدف حمله آتش‌سوزی قرار گرفته است. تا کنون از نوعیت این حمله جزئیات آرایه نشده و دولت فرانسه نیز در این مورد چیزی نگفته است. مسوولیت این حمله را نیز فرد یا گروهی به عهده نگرفته است. حمله بر سفارت سفارت جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اروپایی و غربی بی‌سابقه است. این در حالی است که در اوایل سال روان میلادی به سفارت آذربایجان در تهران حمله شد که در اثر آن یک محافظ امنیتی این سفارت کشته شد و دو تن دیگر زخم برداشتند.



استولتنبرگ: روسیه قصد حمله به کشورهای عضو ناتو را ندارد

پس از ادعای رومانیایی مبنی بر کشف قطعات پهپاد روسیه در خاکش، یانس استولتنبرگ، دبیرکل سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (NATO) می‌گوید که تاکنون هیچ نشانه‌ای از حمله روسیه به کشورهای عضو این سازمان وجود ندارد. خبرگزاری اناتولی، شنبه شب، ۹ سپتامبر، به نقل از استولتنبرگ گزارش داده که وی این اظهارات را پس از نگرانی رومانیایی در مورد حمله پهپادی که این کشور آن را به مسکو نسبت داده است، در شبکه اجتماعی ایکس (تویتر سابق) بیان کرده است. دبیرکل ناتو گفته است که با کلاوس یوهانیس، رئیس جمهور رومانی، در مورد جنگ اوکراین و ادعای کشف قطعات پهپاد روسی گفت‌وگوی تلفونی داشته است.

این در حالی است که آنجل تیلوار، وزیر دفاع رومانی، هفته گذشته ادعا کرد که قطعات مربوط به پهپادهای روسی در خاکش کشف شده است. سرپاز این کشور روز شنبه (۹ سپتامبر) نیز گفتند که آنان برای دومین بار طی یک هفته اخیر قطعات جدیدی از یک پهپاد را در خاک این کشور و در نزدیکی مرز با اوکراین دریافت کرده‌اند. مقام‌های روسیه هنوز در مورد این ادعای رومانیایی واکنشی نشان ندادند. این در حالی است که مسکو و کی‌یف، در ماه‌های اخیر از حملات پهپادی علیه یکدیگر کار می‌گیرند.



افزایش احتمال تغییر نام هند؛ مودی در نشست گروه ۲۰ با عنوان «نخست‌وزیر بهارات» سخنرانی کرد

نرندرا مودی، نخست‌وزیر هند در مراسم افتتاحیه نشست گروه ۲۰، سخنرانی خود را به جای نام هند با عنوان «بهارات» آغاز کرده است. به گزارش یورو نیوز، مودی روز شنبه، ۹ سپتامبر، در حالی سخن می‌گفت که در لوح مقابل او به جای هند واژه «بهارات» نوشته شده بود. با این حال، در لوگوی رسمی نشست گروه ۲۰ نیز به انگلیسی هند و به زبان هندی، بهارات نوشته شده؛ در حالی که تا پیش از این تنها از واژه هند استفاده می‌شد. در روزهای اخیر گزارش‌هایی مبنی بر تغییر نام هند افزایش یافته است. بهارات نام هندی «هند» است و منتقدان از آن به‌عنوان آخرین نشانه فشار ملی‌گراها برای این کشور می‌دانند. در همین حال، گفتنی است که هند هم‌اکنون میزبان نشست سران گروه ۲۰ در دهلی‌نو، پایتخت آن کشور است.

اتحادیه اروپا ارایه غلات روسیه به کشورهای افریقای را به سخره گرفت

رئیس جمهور ترکیه، و فومیو کیشیدا، نخست‌وزیر جاپان نیز در حاشیه گروه ۲۰ درباره احیای توافق غلات رایزنی کرده‌اند. توافق غلات به‌منظور کاهش تاثیر جنگ روسیه و اوکراین بر قیمت جهانی مواد غذایی به‌ویژه تامین غلات مورد نیاز شماری از کشورهای وارد کننده، با ابتکار ترکیه و با همکاری سازمان ملل متحد، روسیه و اوکراین یک سال پیش در استانبول امضا شد. این قرارداد ابتدا به‌مدت شش ماه امضا و در سه دوره پی‌هم دو ماهه تمدید شد. پس از تکمیل دور سوم دو ماهه، روسیه به‌دلیل آنچه عدم پایداری کشورهای غربی در زمینه تعهداتشان در قبال مسکو می‌دانند، از تمدید این قرارداد خودداری کرد.

شارل میشل، رئیس شورای اروپا، بار دیگر از خروج روسیه از توافق غلات به‌شدت انتقاد کرد و برنامه مسکو برای ارایه یک میلیون تن غلات به کشورهای افریقای را «سخت‌و‌طعن‌آمیز» نامید. به گزارش رویترز، میشل روز شنبه، ۹ سپتامبر در نشست رهبران گروه ۲۰ در دهلی‌نو گفته که توافق‌نامه غلات، بیش از ۳۰ برابر بیشتر از چیزی که روسیه به افریقا پیشنهاد داده، به کشوری آسیب‌پذیر غلات رسانده است. وی خطاب به سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، افزوده است: «شما نه تنها از این توافق خارج شدید بلکه زیرساخت‌های بندر برای ارسال غلات را نیز هدف حمله قرار داده‌اید.» در همین حال، برخی منابع گفتند که رجب طیب اردوغان



زمین لرزه در مراکش؛ شمار تلفات به بیش از یک هزار تن رسید

بربنیاد گزارش‌ها، شمار تلفات زمین‌لرزه مرگبار در مراکش به یک هزار و ۳۷ تن رسیده است. سی‌ان‌ان روز شنبه، ۹ سپتامبر، گزارش داده که تیم‌های امداد در تلاش هستند تا به مناطق آسیب‌دیده برسند و جاده‌ها توسط آوار مسدود شده است. طبق گزارش، در پی این زلزله بیش از یک هزار تن دیگر زخمی شده‌اند که وضعیت ۷۲۱ تن آنان وخیم گزارش شده است. یکی از شاهدان گفته است: «ما امیدواریم معجزه‌هایی از زیر آوار رخ دهد.» به گفته سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده آمریکا، این زمین‌لرزه قوی‌ترین زمین‌لرزه‌ای بود که در بیش از ۱۲۰ سال گذشته مناطق اطراف مراکش را لرزاند. گفتنی است که این زمین‌لرزه ساعت ۱۱:۰۰ جمعه‌شب، ۸ سپتامبر، به‌وقوع پیوسته است. مرکز ملی پژوهش علمی در رباط شدت این زمین‌لرزه را هفت ریشتر اعلام و مرکز ملی ژئوفیزیک این کشور آن را شدیدترین زمین‌لرزه در یک قرن گذشته عنوان کرده است. شهر مراکش نزدیک‌ترین شهر بزرگ به مرکز زمین‌لرزه بوده که بسیاری از خانه‌های منطقه پرجمعیت تاریخی شهر در پی این زمین‌لرزه ویران شده‌اند.



انتقاد اوکراین از بیانیه هجدهمین نشست گروه ۲۰



حالی برگزاری است. شی جین پینگ، رهبر چین و ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، از اشتراک در این نشست خودداری کردند و به‌جای آنها نخست‌وزیر چین و وزیر خارجه روسیه به نمایندگی از کشورهایشان حضور یافته‌اند. آرژانتین، استرالیا، برازیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، جاپان، کوریای جنوبی، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، افریقای جنوبی، ترکیه، بریتانیا و آمریکا اعضای این گروه هستند.

روسیه به خاک اوکراین موقف روشنی اتخاذ نکرده‌اند. رهبران گروه ۲۰ گفتند که از همه ابتکارات سازنده مرتبط به صلح عادلانه و بادوام در اوکراین حمایت می‌کنند. این در حالی است که بیانیه سال گذشته گروه ۲۰ در بالی اندونزی با اشاره به قطعنامه سازمان ملل متحد علیه مسکو، جنگ روسیه و اوکراین را تجاوز مسکو علیه کی‌یف نامید و به‌شدت آن را محکوم کرد. گفتنی است که هجدهمین اجلاس رهبران گروه ۲۰ با شعار «یک زمین، یک خانواده، یک آینده» در دهلی‌نو در

وزارت امور خارجه اوکراین از بیانیه پایانی گروه ۲۰ در دهلی‌نو انتقاد کرده و گفت که این سند بدون اشاره به تهاجم روسیه «هیچ چیزی افتخارآمیزی» ندارد. رویترز شنبه شب، ۹ سپتامبر، به نقل از اولگ نیکولنکو، سخنگوی وزارت امور خارجه اوکراین، گزارش داده که وی تصویری بیانیه این نشست مربوط به کشورش را با خط سرخ مشخص و واژه‌های آن را تغییر داده است. نیکولنکو در صفحه فیسبوکش نگاشته است: «مشخص است که حضور طرف اوکراینی در جلسه رهبران گروه ۲۰ می‌توانست به شرکت‌کنندگان امکان دهد تا درک بهتری از اوضاع داشته باشند.» این مقام اوکراینی از متحدان کی‌یف برای پیشبرد مواضع کشورش در بیانیه پایانی نشست گروه ۲۰ قدردانی کرده است. در بخشی از این بیانیه آمده است: «همه کشورها باید از تهدید یا استفاده از زور برای دستیابی به خاک یا تصرف سرزمین یا هر اقدام علیه تمامیت ارضی و حاکمیت یا استقلال سیاسی هر کشور دیگری خودداری کنند.» در این بیانیه رهبران گروه ۲۰ در مورد حمله نظامی